

منهای فوتبال

خصوصیت شخص فدراسیون با حدادی!



به نظر می‌رسد کلاف پیچیده خصوصیت فدراسیون دوومیدانی با احسان حدادی قرار نیست به این زودی‌ها باز شود. بعد از ماجراهای بلاتکلیفی حدادی پس از بازی‌های آسیایی و رفتن مک و یلکینز به چین برای قرارداد بستن با چشم‌بادامی‌ها، حتی ورود صالحی امیری به ماجرا و برگزاری جلسه هم جواب نداده است. چراکه هنوز نه خبری از برنامه ریزی و تعیین مربی برای قهرمان پرتاب دیسک آسیاست و نه چیزی از صلح و صفا بین فدراسیون و حدادی شنیده می‌شود. حتی گویا این رابطه سردتر هم شده است و خصوصیت فدراسیون بیشتر از گذشته است. قهرمان چهار دوره بازی‌های آسیایی با اشاره به دیدارش با صالحی‌امیری رییس کمیته ملی المپیک گفت: «صالحی‌امیری برنامه‌های من را به صورت مکتوب خواست و من هم ارایه دادم. او اعلام کرد هر هزینه تمام اردوها را کمیته می‌دهد اما دوستان فدراسیون پس از آن رفتند صحبتی کردند که همه چیز منتفی شد و اتفاقی نیفتاد. متأسفانه آنها در دیداری که با صالحی‌امیری داشتند صحبت‌هایی کردند که دیگر نتوانستم رییس کمیته را ببینم. فدراسیون دوومیدانی به صورت رئیس و کارمندی اداره می‌شود، نه رئیس و ورزشکاری. من به دوستان گفتم اگر مربی ایرانی سراغ دارند که می‌تواند به من کمک کند مشکلی ندارم هر چه آنها بگویند را اجرا می‌کنیم اما نباید طوری باشد که ر کوردم در سال بعد زیر ۶۸ متر باشد. اگر نمی‌خواهد اعلام کند من هم تصمیم دیگری بگیرم. متأسفانه برخی مسائل، دیگر خصوصیت شخصی شده است. همه به دنبال بالا بردن پرچم ایران هستند.»

■ ■ ■

توس ضیایی از بازگشت ایگور؟!

ماندن ایگور کولاکوویچ در سمت سرمربی تیم ملی والیبال هنوز مورد بحث است. در فدراسیون قبلی اصرار بر این بود که باید با ایگور قطع همکاری شود اما افشین داوری سرپرست والیبال خیلی زود اعلام کرد که باید به قرارداد با این مربی پایبند بود و تا المپیک ۲۰۲۰ ایگور با والیبال ایران می‌ماند. این در حالی است که امیر خوش‌خبر سرپرست سابق تیم ملی خبر داده بود که هیچ قراردادی نبوده و تنها یک توافقنامه امضا شده است. در هر حال ایگور که حالا باید بهمن‌ماه به ایران بیاید تا تماشاگر مسابقات لیگ باشد و البته برنامه‌هایش را نیز ارایه کند، باب تازه‌ای از ماجراهای اخیر را باز کرد. او گفت: «من تا المپیک ۲۰۲۰ با فدراسیون ایران قرارداد دارم. بعد از مسابقات قهرمانی جهان از سرپرست تیم ملی خواستم تا شرایطی فراهم کند که من و دستیارانم به ایران باییم، اما متوجه شدم که احمد ضیایی، موافق این موضوع نیست. او دستور داده بود که من و دستیارانم به کشورمان برویم و به ایران برنگردیم! می‌دانم که خیلی‌ها در ایران نسبت به عملکرد تیم ملی انتقاد داشتند و به همین دلیل تصمیم داشتیم به ایران برگردم و بتوانم با آنها صحبت کنم. حتی تصمیم داشتیم درخواست برگزاری نشست خبری بدهیم و بار رسانه‌ها صحبت کنیم، اما فکرمی‌کنم ضیایی نگران بود که من صحبت‌هایی را مطرح کنم که چندان خوشایند آنها نیست.» به نظر می‌رسد با رفتن ضیایی باید منتظر اتفاقات حاشیه‌ای بسیاری باشیم.

■ ■ ■

طلا۴۹ هزار دلاری

مسابقات گرن‌داسلم برای ایران یک طلا و یک برنز به همراه داشت. آرمن هادی‌پور در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف «جون جانگ» از کره جنوبی رفت و دو بر صفر نتیجه را واگذار کرد تا برای کسب عنوان نسومی تلاش کند. او برای کسب مدال برنز با «تای هون کیم» نماینده کره جنوبی مبارزه کرد که با نتیجه سه بر دو به برتری رسید و برنزی شد. گفتنی است به نفر سوم پنج هزار دلار (۳۵۰۰ دلار برای بازیکن و ۱۵۰۰ دلار مربی) پاداش تعلق می‌گیرد. همچنین سجاد مردانی هم «کیو دون این» از کره جنوبی را سه بر دو شکست داد و عنوان قهرمانی را به همراه پاداش ۴۹ هزار دلاری گرفت.

سپاهان و ژنرال؛ احیاشدگان در اصفهان

بازگشت دوگانه!

یک تساوی در اهواز، برای قهرمانی نیم‌فصل سپاهان کافی به نظر می‌رسید. طلایی‌ها در این مسابقه درخشان نبودند و در دقایقی از بازی مقابل قعرنشین غافلگیر شدند اما در نهایت گل اول این نبرد را به ثمر رساندند و با وجود دریافت گل تساوی، صدر جدول را حفظ کردند. این صدرنشینی اگر چه تنها به خاطر «تفاضل گل» به دست آمده اما نشان دهنده برتری سپاهان بر همه رقباست. این باشگاه و سرمربی فعلی‌اش، سال‌های سختی را پشت سر گذاشته‌اند و حالا در آغوش هم، دوباره مشغول قدرت‌نمایی در فوتبال ایران هستند.



آر بار هنوز در

پس از قهرمانی حیرت‌آور و غیرمنتظره لیگ برتر چهاردهم، خورشید یخت سپاهان رو به خاموشی رفت. این تیم برای سال‌ها به ویروس «برنده شدن» و جام گرفتن دچار بود اما پس از قهرمانی چهاردهمین فصل لیگ با حسین فرکی، دیگر نتوانست اقتداری از خودش نشان بدهد. حواشی بزرگ باشگاه با کناره‌رفتن محرم‌نوید کیا

از پنجمین قهرمانی در همه‌ادوار حسین فرکی خراب شد و بخشی از هوادارها با بنر ها و شعارهایی نه‌چندان خودجوش، خواهان جدایی مربی قهرمان فصل قبل و بازگشت مرد شماره چهار به تیم‌شان شدند. در اولین روزها تصور می‌شد این آتش زبانه‌های زیادی ندارد و به سرعت فروکش می‌کند اما شعله‌ها به تدریج دامن سپاهان را گرفتند و این تیم از اوج قدرت به زیر کشیدند. بعد

حذفی خارج شدند. بهترین راهکار از سوی مدیران سپاهان برای برون‌رفت از این بحران، امضای قرارداد با سرمربی تیم قهرمان لیگ پانزدهم بود. آنها عبدا... و یسی را به خدمت گرفتند و این مربی نیز با چند بازیکن از استقلال خوزستان راهی اصفهان شد. نسخه وطنی پی‌گوار دیولا ما برای کار کردن در یک باشگاه بزرگ ساخته نشده بود و در حالی که چند بار تجربه از حال رفتن روی نیمکت سپاهان و انتقال به

بیمارستان را داشت، شغلش را از دست داد تا کرانچار به اصفهان برگردد. در رفت و آمد دائمی میان مربی‌ها، حتی کرانچار و ایراهیم‌زاده نیز موفق نبودند. سپاهان در لیگ شانزدهم روی سکوی پنجم قرار گرفت و در لیگ هفدهم با ایستادن در رده چهاردهم، ضعیف‌ترین فصل دوران حضورش در لیگ برتر را سپری کرد. بعد از سه فصل مطلقا ناامیدکننده بدون جام، مدیران باشگاه دوباره به سراغ امیرقلعه‌نویی رفتند اما حتی در مورد این مربی نیز تردیدهایی وجود داشت.

بحران ژنرال مدتی قبل از بحران سپاهان کلید خورده بود. او استقلال پرستاره را به قهرمانی لیگ دوازدهم رساند اما در دو فصل بعدی، تجربه‌های کاپوس‌واری را سپری کرد. قلعه‌نویی تسلط همیشگی‌اش بر ختکن تیم را نیز از دست داده بود و هوادارها روی سسکوها برای جدایی‌اش روزشماری می‌کردند. شکست در هر دو دربی رفت و برگشت لیگ چهاردهم، تیر خلاص به قلب مردی بود که به هیچ قیمتی عادت نداشت زمین بازی با پرسپولیس را به عنوان چهره شکست‌خورده ترک کند. درست بعد از ترک استقلال اما انتخاب‌های درست، ژنرال را در مسیر ترمیم تصویر ترک‌خورد‌هاش قرار دادند. او با وجود توافق اولیه با ملوان، حاضر به کار کردن در این باشگاه نشد و خودش را با شرایط عجیب و غریب این تیم روبه‌رو نکرد. امیر از تراکتورسازی یک مدعی برای قهرمانی لیگ ساخت اما ماجرای محرومیت از نقل و انتقالات در نیم‌فصل، ضربه‌بزرگی برای این تیم بود. قلعه‌نویی سپس راهی اصفهان شد و هدایت ذوب‌آهن را بر عهده گرفت و با وجود لغزش‌های نیم‌فصل اول، نیم‌فصل دوم خارق‌العاده‌ای را

نکته به نکته

فشار داوری

داوران بانگاهی حق به جانب در باره فشار وحشتناک روی داوری در لیگ بر تر اظهارنظر می‌کنند اما ظاهرا خبر ندارند که همه جای دنیا، فشار روی داوری بسیار زیاد است. داور بزرگی مثل آندریاس فریسک بعد از هجمه‌هایی که در موردش شکل گرفت، ناچار شد قضاوت را برای همیشه کنار بگذارد. حتی بنجامین ویلیامز بعد از داوری جنجالی دیدار ایران و عراق در جام ملت‌های آسیا، تهدید به مرگ شد. تهدید شدن، شعار شنیدن و حتی پذیرایی شدن با آشپایی از سوی هواداران روی سکوها، ماجراهای زشتی هستند که در تمام دنیا برای داورها اتفاق می‌افتند. چرا که این شغل حساسیت‌های خاص خودش را دارد و گاهی می‌تواند همه حقیقت‌ها را در مورد یک مسابقه به سادگی عوض کند. اگر یک داور تحمل چنین فشاری را ندارد، بهتر است به‌خانه برگردد و به شغل دومش بپردازد. واکنش کرمانشاهی بعد از سوت زدن نبرد پرسپولیس و پارس چندان معقول به نظر نمی‌رسد. آقای داور طوری درباره فوتبال ایران موضع گرفته که انگار این باشگاه‌ها هستند که باید به خاطر اشتباهات داوری از داورها عذر خواهی کنند و به خاطر اشتباهات داوری از سوی فدراسیون جریمه شوند!

جزئی از فوتبال

سال‌های سال است که «اشتباه داوری» دیگر «جزئی» از فوتبال نیست و این جمله یکی از منسوخ‌شده‌ترین جملات در ارتباط با قضاوت این رشته ورزشی به شمار می‌رود. برای کرمانشاهی و سایر داوران وطنی اما انگار چنین مفهومی هنوز پذیرفته نشده است. او معتقد است از آن جایی که داورها تنها یک دقیقه در جریان بازی اثر گذار هستند، نباید مورد مواخذه قرار بگیرند اما حقیقت آن است که گاهی حتی چند ثانیه نیز در تعیین سرنوشت یک مسابقه فوتبال، کاملاً موثر است. فوتبال ورزش ثابیه‌هاست و انتظار می‌رود داورها قبل از هر کس دیگری این حقیقت ساده را درک کنند. کرمانشاهی در حالی که در جریان بازی پرسپولیس و پارس جنوبی هم مرتکب یک اشتباه بزرگ شده و گل سالم علی‌علیپور را به اشتباه مردود اعلام کرده است، لایه‌ای صحبت‌هایش مدام به حقوق و امکانات کم‌داوری در ایران اشاره می‌کند. سوال بزرگ اینجاست که آیا باشگاه‌ها و هواداران‌شان باید توان دستمزد کم فدراسیون به داوران لیگ برتر را بدهند؟ به نظر می‌رسد بخشی از داوران فوتبال ایران، بیش از حد حساس و زودرنج شده‌اند و دیگر مناسب قضاوت بازی‌های فوتبال نیستند.

چهره روز

سوپر استارهای برزیلی و لیگ جزیره: داستان دو خط موازی

رکورد معنادار گابریل!

با وجود همه انتقادها از عملکرد گابریل ژسوس در خط حمله منچستر سیتی، این بازیکن در نبرد دشوار با اورتون نمایش درخشانی داشت و موفق شد دو بار دروازه تیم حریف را باز کند. او هنوز به «گابی گل» مدنظر هواداران سیتی تبدیل نشده و همه آنهایی که انتظار داشتند او به سرعت به سطح نیمار و ام‌پایه برسد، هنوز نمی‌توانند حساب ویژه‌ای روی ستاره برزیلی باز کنند. با این وجود او تا امروز ۲۳ گل برای تیم آبی‌پوش منچستر به ثمر رسانده و یکی از پنج گل‌زن برزیلی برتر تاریخ این لیگ به شمار می‌رود. از این فهرست پنج نفره، سه بازیکن هنوز هم در لیگ برتر شاغل هستند. «ویلیان» با ۲۷ گل برای چلسی، چهارمین گل‌زن برزیلی تاریخ لیگ برتر به شمار می‌رود. «جونینیو پاتولیستا» با ۲۹ گل، در

بهترین محصولات فوتبال برزیل، هیچ‌وقت در انگلستان به میدان نرفته‌اند. رونالدو در سری آ و لالیگا خوش درخشید و هرگز به باشگاهی در انگلیس ملحق نشد. رونالدینیو در فرانسه چهره شد، بهترین سال‌های دوران بازی را در اسپانیا گذراند و

رده بعدی دیده می‌شود. «روبرتو فیرمینو» با ۴۰ گل زده در لیگ برتر با لباس لیورپول، نفر دوم است و تنها به دو گل نیاز دارد تا از رکورد بهترین گل‌زن برزیلی تاریخ لیگ جزیره یعنی «فیلیپه کولتینیو» عبور کند. حقیقت آن است که هیچ‌کدام از این مهره‌های برزیلی، در جمع بهترین بازیکنان فوتبال در تاریخ کشورشان قرار نمی‌گیرند. همه آنها ستاره‌هایی خوب و بالاستعداد هستند اما هرگز «سوپر استار» بودن را تجربه نکرده‌اند.

بهترین محصولات فوتبال برزیل، برای ستاره‌های ظریف و تکنیکی برزیلی، لیگ‌های اسپانیا و ایتالیا همواره بیشتر از انگلیس به‌توتپا شبیه بوده است. به نظر می‌رسد این بازیکن‌ها نه تنها نمی‌توانند با آب و هوای بسیار متفاوت انگلیس نسبت به کشور زادگاه‌شان کنار بیایند، بلکه نظم و